

اندازه‌گیری باورهای غیرمنطقی در روابط زناشویی:
استانداردسازی پرسشنامه باورهای ارتباطی*

Measuring Irrational Beliefs about Marital Relationships:
Standardization of Relationship Beliefs Questionnaire (RBQ)

Manochehr Azkhosh, PhD

University of Welfare
& Rehabilitation

Ali Asgari, PhD

University of Welfare
& Rehabilitation

دکتر علی عسگری

دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

دکتر منوچهر ازخوش

دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

Abstract

This study aimed to standardize the Relationship Beliefs Questionnaire (RBQ; Romance & DeBord, 1995) and to investigate irrational beliefs about marital relationships in an Iranian population. Data provided by 535 married Iranian participants (244 males and 291 females), completing the RBQ, resulted in omitting 13 items due to low item total correlation and factor loadings. Cronbach's alpha for the remaining 58 items scale and test-retest reliability were 0.95 and 0.93 respectively. The result of explanatory factor analysis using oblique rotation method showed that the scale included seven factors, including expectations to: a) be perfect in a marital relationship, b) be interdependent, c) have monogamous relations, d) be devoted, e) be rational and open to each other, f) read each other's mind, and g) be aware of each others past thoughts, feelings and needs. The extracted factors confirmed by confirmatory factor analysis. A positive correlation ($r = 0.32, P < 0.01$) between RBQ and the Irrational Beliefs Test (Jones, 1968) supported the convergent validity. No university educated participants showed more irrational beliefs than did more educated participants. There were no gender or age differences in irrational beliefs about marital relationships. The length of marriage and number of children also were not correlated to such irrational beliefs. The standardized scores of RBQ measures are presented.

Key words: Relationship Beliefs Questionnaire, irrational beliefs, marital relationship, standardization.

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی باورهای غیرمنطقی در روابط زناشویی و استاندارد کردن پرسشنامه باورهای ارتباطی (رومنس و دی‌بورد، ۱۹۹۵)، در گروه نمونه‌ای به حجم ۵۳۵ نفر متأهل (۲۹۱ زن، ۲۴۴ مرد) در شهر تهران اجرا شد. پس از حذف ۱۳ گویه به دلیل قدرت تشخیص و بار عاملی ضعیف، اعتبار ۵۸ گویه باقی‌مانده از طریق همسانی درونی و بازآزمایی با فاصله یک ماه به ترتیب برابر با ۰/۹۵ و ۰/۹۳ به دست آمد. تحلیل عاملی اکتشافی با چرخش متمایل نشان داد که پرسشنامه از هفت عامل (۱) کامل بودن همه چیز در روابط زناشویی (۲) وابستگی متقابل (۳) انحصارطلبی در روابط (۴) فداکردن خود برای دیگری (۵) منطقی بودن و پذیرش متقابل (۶) خواندن افکار یکدیگر (۷) آگاهی از افکار و احساسها و نیازهای گذشته همسر اشباع شده است. تحلیل عاملی تأییدی درستی عاملهای استخراج شده را تأیید کرد. همبستگی RBQ با آزمون باورهای غیرمنطقی (جونز، ۱۹۶۸) روایی همگرای آن را تأیید کرد ($r = 0.32, P < 0.01$). دو جنس از لحاظ باورهای ناکارآمد زناشویی تفاوت نداشتند. افراد با تحصیلات غیردانشگاهی، باورهای ناکارآمد بیشتری نسبت به افراد با تحصیلات دانشگاهی داشتند. بین سن، مدت ازدواج و تعداد فرزندان با باورهای ارتباطی رابطه‌ای به دست نیامد. جدول تبدیل نمره‌های خام به نمره‌های استاندارد RBQ برای کل گروه ارائه شد.

واژه‌های کلیدی: پرسشنامه باورهای ارتباطی، باورهای غیر منطقی، روابط زناشویی، استانداردسازی.

received : 22 Oct 2007

accepted : 25 Dec 2007

دریافت : ۱۳۸۶/۱۰/۲۲

پذیرش : ۱۳۸۶/۱۲/۲۵

* هزینه این پژوهش از محل اعتبارات معاونت پژوهشی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تأمین شده است.

Contact information: azkhosh34@yahoo.com

مقدمه

باورهای ناکارآمد^۱، علت اصلی بسیاری از اختلافهای اجتماعی، به ویژه روابط زوجها است (الیس، ۱۹۷۸، ۲۰۰۰، ۲۰۰۱؛ بک، ۱۹۷۰، ۱۹۸۷؛ اپشتاین، ۱۹۸۶). منظور از چنین باورهایی، در واقع وجود افکار نادرست و نامنتحب با واقعیت درباره خود و جهان است. به اعتقاد الیس (۲۰۰۱) هیچ رویدادی ذاتاً نمی‌تواند در انسان ایجاد آشفته‌گی روانی کند؛ زیرا تمام محرکها و رویدادها در ذهن معنا و تفسیر می‌شوند و بر این اساس، سازش‌نیافتگیها و مشکلات هیجانی در واقع ناشی از نحوه تعبیر، تفسیر و پردازش اطلاعات حاصل از محرکها و رویدادهایی هستند که افکار و باورهای ناکارآمد در زیربنای آنها قرار دارند.

یکی از عمده‌ترین عرصه‌های بروز و نفوذ افکار غیر-منطقی و ناکارآمد، زندگی زناشویی است. با آنکه به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران ازدواج یکی از بنیادهای جهان‌شمول به حساب می‌آید و به گونه‌ای تنگاتنگ زندگی افراد بشر را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اما از آسیب‌های گوناگون در امان نیست. برای نمونه، نتایج مطالعات (برنشتاین و برنشتاین، ۱۹۸۹/۱۳۸۰) نشان داده‌اند که بسیاری از همسران در برقراری و حفظ روابط دوستانه و صمیمی با یکدیگر دچار مشکل‌اند، چون انتظار دارند تا از ازدواج به گونه کلی، و از همسران به گونه اختصاصی، منافی به دست آورند. به بیان دیگر، انتظارات آنان از رابطه زناشویی بیشتر، گسترده‌تر و در بسیاری از موارد، غیرمنطقی‌تر شده‌اند و حتی توانسته‌اند زمینه سرخوردگی از زندگی زناشویی را فراهم آورند.

در بسیاری از فرهنگها به روابط زناشویی به منزله منبع اولیه حمایت و عاطفه نگریسته می‌شود (لاوینگر و هاستون، ۱۹۹۰) و از همسران انتظار می‌رود تا یک رابطه انحصاری، صداقت، علاقه، عاطفه و نیز صمیمیت و حمایت از خود نشان دهند. تقریباً تمامی زوجها در ابتدای زندگی زناشویی سطح بالایی از رضایت را گزارش می‌کنند (مارکمن و هالوگ، ۱۹۹۳). اما این رضایت در خلال زمان کاهش می‌یابد. معتبرترین شاخص این عدم

رضایت و آشفته‌گی نیز طلاق است (برادبری، ۱۹۹۵). از سوی دیگر، بین ۸۵ تا ۹۱ درصد از افرادی که در آستانه طلاق قرار دارند در ابتدای روابط زناشویی عقاید مثبت و پیش‌بینیهای غیرواقعی‌بینانه و ناکارآمدی از رابطه زناشویی داشته‌اند و بر این باور بوده‌اند که احتمال طلاق برای آنها صفر است (فاورز، لایونز و مونتل، ۱۹۹۶).

باورهای غیرمنطقی در روابط زناشویی به گونه‌های مختلف طبقه‌بندی شده‌اند. برای نمونه، بر پایه طبقه‌بندی بک (۱۹۷۶) برخی از باورهای خاص و منحصر به فرد زوجها عبارتند از: (۱) تجربه‌های انتخابی^۲ (توجه به بخش کوچکی از یک حادثه منفی)، (۲) تعمیم مبالغه‌آمیز^۳ (در نظر گرفتن هر حادثه منفی به عنوان شکستی تمام عیار)، (۳) برجسب منفی‌زدن (اصرار بر دلایل منفی و بدخواهانه در رفتار و گفتار همسر)، (۴) شخصی‌سازی^۴ (نسبت دادن تمام مشکلات به خود و ناتوانیهای خویش)، (۵) نتیجه‌گیری شتابزده (بدون داشتن دلایل محکم قضاوت کردن، ذهن‌خوانی^۵ و پیش‌گویی افکار یکدیگر)، (۶) تفکر همه یا هیچ (۷) بزرگ‌نمایی (با اهمیت جلوه دادن مسائل و مبالغه در شدت اشتباهها). به عقیده برنز (۱۹۹۰/۱۳۷۱) نیز برخی از باورهای ناکارآمد همسران در روابط زناشویی عبارتند از محقق‌بودن، سرزنش دیگری، قربانی دانستن خود، تحقیر، توقع و درماندگی.

با آنکه برخی از مطالعات به بررسی ساختار انواع باورها پرداخته‌اند (مانند الیس، ۱۹۷۸، ۲۰۰۰، بک، ۱۹۷۰، ۱۹۸۷)، پژوهشهای متعددی نیز بر رابطه بین اینگونه باورها با سایر متغیرهای روابط زناشویی تمرکز دارند. برای نمونه، باورهای ارتباطی ناکارآمد زوجها با چگونگی واکنش آنها نسبت به تعارض در روابط زناشویی مرتبط است. برای مثال، اگر حفظ روابط خود را مستلزم مطرح نکردن مشکل به منظور اجتناب از تعارض بدانند، به راه‌حل مناسبی برای حل مشکلات ارتباطی دست نخواهند یافت (کایسر و هیمل، ۱۹۹۴).

پژوهش متر و کاپاچ (۱۹۹۰) نیز نشان داد که باورهای ارتباطی ناکارآمد با پاسخهای مخرب فعال، شامل تفکر

روابط جنسی، و تفاوت دو جنس را اندازه‌گیری می‌کند. پرسشنامه باورهای ارتباطی^۱ (RBQ؛ رومنس و دی‌بورد، ۱۹۹۵) یکی از مقیاسهای نسبتاً پرکاربرد در اندازه‌گیری افکار و باورهای غیرمنطقی و ناکارآمد در روابط زناشویی است که به منظور پی‌بردن به روابط زوجها، بررسی جایگاه میانجی‌گرهای شناختی در واکنشهای عاطفی و رفتاری هر یک از زوجها در روابط زناشویی و نیز درک ماهیت و معنای تعاملهای آنها توسعه‌یافته است. مطالعات متعدد (رومنس و دی‌بورد، ۱۹۹۵؛ دی‌بورد و دیگران، ۱۹۹۶) به منظور بررسی روایی RBQ، به ویژه از طریق تحلیل‌عاملی نشان دادند که مقیاس دارای ۹ عامل است: ۱) کاملاً صادق و پذیرا بودن یکدیگر در همه مواقع، ۲) خواندن افکار یکدیگر، ۳) انجام همه کارها با یکدیگر، ۴) ارضاکردن همه نیازها، ۵) توانایی و تمایل به تغییر دادن خود به خاطر دیگری، ۶) کامل و عالی بودن همه چیز در روابط زناشویی، ۷) آسان بودن حفظ روابط خوب زناشویی، ۸) خوب و کامل بودن روابط عاشقانه، و ۹) رمانتیک‌گرایی.

این پرسشنامه به عنوان مقیاس باورهای غیرمنطقی مختص روابط از نظریه عقلانی - عاطفی (الیس و گریگر، ۱۹۸۶؛ الیس، ۱۹۷۸) نیز حمایت می‌کند و از توان لازم برای مطالعه باورهای غیرمنطقی در روابط زناشویی و اندازه‌گیری این باورها، به ویژه در مراکز مشاوره و درمانگری برخوردار است. اگرچه اینگونه مراکز برای سنجش علل اختلافها و مشکلات زوجها از روشها و آزمونهای مختلف استفاده می‌کنند، اما شواهد معتبر علمی نشان می‌دهند که این گونه اندازه‌گیریها، به دلیل مشکلات و نارساییهای ابزار مورد استفاده از لحاظ انطباق با فرهنگ کشور و روایی و اعتبار ضعیف، نه تنها به نتایج مطلوب دست نمی‌یابند، بلکه امکان دارد مشاوران و دست‌اندرکاران خدمات مشاوره و درمان را به گمراهی کشانند. با توجه به آنچه ذکر شد ضرورت استاندارد کردن پرسشنامه‌ای که بتواند بر پایه مبانی فرهنگی جامعه ایرانی،

نسبت به ترک رابطه، تهدید به ترک، ترک یا تخریب عملی روابط، ارتباط مستقیم دارند. افزون بر این، باورهای ارتباطی غیرمنطقی با تجربه‌های فردی در روابط عاشقانه یا روابط زناشویی رابطه معکوس دارند و به رضایت و سازش‌یافتگی کمتری در روابط منجر می‌شوند (آدیس و برنارد، ۲۰۰۰؛ استاکرت و بورسک، ۲۰۰۳؛ دی‌بورد، رمانس و کریشاک، ۱۹۹۶؛ مولر و وندرمر، ۱۹۹۷؛ مولر و ون‌زیل، ۱۹۹۱).

بی‌تردید، رفتار در چهارچوب روابط به گونه‌ای چشمگیر تحت تأثیر عوامل شناختی قرار دارد. زیرا افراد با مجموعه‌ای از انتظارات و باورها درباره همسران و رفتار آنها، و به گونه کلی درباره ازدواج، پا به این عرصه می‌گذارند؛ و به نظر می‌رسد بسیاری از این باورها غیر-واقع‌بینانه و غیرمنطقی است. به همین دلیل به تدریج روابط رو به سردی، ناامیدی و بی‌اعتمادی می‌رود. از این رو، شناسایی و اندازه‌گیری این عقاید و باورها و تأمل در مورد آنها برای حل مشکلات عاطفی و رفتاری همسران بسیار سودمند خواهد بود.

با آنکه ابزارهای متعددی مانند آزمون باورهای غیر-منطقی^۱ (IBT؛ جونز، ۱۹۶۸)، فهرست رفتار منطقی^۲ (RBI؛ شورکی و وایتمن، ۱۹۷۷)، فهرست باورهای غیر-منطقی^۳ (IBI؛ کوپمنز، ساندرومن، تیمرمن و ایمل‌کمپ، ۱۹۹۴)، مقیاس باورهای منطقی^۴ (RBS؛ دانن‌باوم - داوبن و هوران، ۱۹۹۹)، آزمون باورهای غیرمنطقی ژاپنی^۵ (JIBT؛ ماتسومورا، ۱۹۹۱)، مقیاس باورهای ارزیابی‌کننده^۶ (EBS؛ چادویک، تراور و داگن، ۱۹۹۹)، مقیاس باورهای ناکارآمد^۷ (DAS؛ وایزمن، ۱۹۷۹) برای اندازه‌گیری افکار و باورهای ناکارآمد توسعه یافته است. اما ابزارهای معدودی برای سنجش باورهای غیرمنطقی در روابط زناشویی وجود دارند که در آن میان می‌توان به فهرست باورهای ارتباطی^۸ (RBI) (ایدلسون و اپشتاین، ۱۹۸۲) اشاره کرد. این مقیاس پنج عامل مخرب بودن اختلاف عقیده، ضرورت خواندن ذهن یکدیگر، غیرقابل تغییر بودن زوجها، کمال‌گرایی^۹ در

1. Irrational Beliefs Test

2. Irrational Behavior Inventory

3. Irrational Beliefs Inventory

4. Rational Beliefs Scale

5. Japanese Irrational Belief Test

6. Evaluative Beliefs Scale

7. Dysfunctional Beliefs Scale

8. Relationship Beliefs Inventory

9. Perfectionism

10. Relationship Beliefs Scale

و ناکارآمد و نمره پایین نشان‌دهنده باورهای منطقی و کارآمد است (بریدجز و ساندرمن، ۲۰۰۲).

جدول ۱: متغیرهای جمعیت‌شناختی گروه نمونه

درصد		متغیر	جنس
مرد	زن		
۴۶	۵۴		
۴۰/۲	۳۱	دیپلم و کمتر	تحصیلات
۱۳/۳	۱۱/۶	دانشجو	
۳۴/۴	۳۰/۲	لیسانس	
۱۲	۱۷/۲	بالتر از لیسانس	
۸/۵	۳/۷	پزشکی	شغل
۱/۳	۳/۴	معلم	
۳۶/۸	۷/۹	آزاد	
۵۱/۶	۴۳/۶	کارمند	
۱/۸	—	بازنشسته	
—	۴۱/۴	خانه‌دار	
انحراف استاندارد	میانگین	دامنه	سن
۸	۳۳	۳۷	زن
۹	۳۸	۴۴	مرد
۷	۱۰	۴۱	زن
۸	۱۲	۳۹	مرد

جونز (۱۹۶۸) روایی *IBT* و منطق نظری زیربنای آن را از طریق تحلیل عاملی و نیز همبستگی زیرمقیاسهای آن با برخی از مقیاسهای بالینی، مانند پرسشنامه ۱۶ عاملی کتل^۱ نشان داده است. همبستگی بالای این مقیاس با پرسشنامه افسردگی (نلسون، ۱۹۷۷)، و طرز تلقی ناکارآمد از ازدواج (ایدلسون و اپشتاین، ۱۹۸۲) شواهد معتبری برای روایی همگرا فراهم آورده است. نتایج مطالعات لهر و بونگ (۱۹۸۲) درباره روایی عاملی^۲ *IBT* ساختار عاملی باورهای غیرمنطقی را بر پایه نسخه اصلی تأیید کردند. نتایج بررسی ویکر، ریچاردسون و

باورها و انتظارات ناکارآمد و غیرمنطقی ازدواج و زناشویی را مورد سنجش قرار دهد و در تشخیص و درمانگری مشکلات زناشویی به کار آید، بیش از پیش به چشم می‌خورد. پرسشنامه‌ای که افزون بر انطباق با فرهنگ و وضعیت اجتماعی و اقتصادی کشور، دارای ویژگیهای مطلوب از نظر اجرایی، نمره‌گذاری و تحلیل نیز باشد.

روش

گروه نمونه پژوهش شامل ۵۳۵ متأهل (۲۹۱ زن و ۲۴۴ مرد) ساکن شهر تهران بود که از طریق نمونه‌برداری تصادفی چند مرحله‌ای و طی چهار مرحله (۱) تقسیم مناطق شهرداری به ۵ بخش (شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز)، (۲) انتخاب تصادفی دو منطقه از هر بخش، (۳) انتخاب دو محله از هر منطقه به گونه تصادفی، و (۴) گزینش تصادفی افراد از مراکز اداری، تجاری، آموزشی، منازل مسکونی و مکانهای عمومی به دست آمد.

ابزار پژوهش: پرسشنامه باورهای ارتباطی (RBQ)

رومنس و دی‌بورد، (۱۹۹۵) نخست با ۱۴۲ گویه و روش نمره‌گذاری ۵ امتیازی لیکرت (نمره ۱ برای گزینه کاملاً موافقم تا نمره ۵ برای گزینه کاملاً مخالفم) توسعه یافت. اما نتایج حاصل از تحلیلهای آماری موجب شد تا نیمی از گویه‌ها حذف و تعداد گویه‌ها به ۷۱ کاهش یابد. بدین ترتیب نمره کل مقیاس در دامنه بین ۷۱ تا ۳۵۵ قرار گرفت. در این مقیاس نمره بیشتر به معنای باورهای کارآمدتر و منطقی‌تر در روابط زناشویی است. ضریب کلی آلفای کرونباخ برای مجموعه ۷۱ گویه‌ای برابر با ۰/۹۵ و برای زیرمقیاسهای ۹ گانه در دامنه‌ای بین ۰/۶۸ تا ۰/۹۱ به دست آمد.

آزمون باورهای غیرمنطقی (IBT؛ جونز، ۱۹۶۸)، یک

پرسشنامه خودسنجی شامل ۱۰۰ گویه و ۱۰ زیرمقیاس است که بر پایه ۱۰ نوع تفکر غیرمنطقی در نظریه ایس و نمره‌گذاری در مقیاس چهار امتیازی لیکرت توسعه یافته است. نمره کلی *IBT* در دامنه بین ۱۰۰ تا ۴۰۰ قرار دارد. به گونه‌ای که نمره بالا بیانگر باورهای غیرمنطقی

کامل باشد)، ۵ (علاقه من به همسر من باید بتواند از انحراف او (مانند معتاد شدن) جلوگیری کند.) و ۵۱ (اگر من و همسر من واقعاً همدیگر را دوست داریم باید مانند دو روح در یک بدن باشیم) از درجه مطلوبیت کمتری برای سنجش باورهای روابط زناشویی برخوردارند.

ضریب اعتبار کل مجموعه ۷۱ گویه‌ای برابر با ۰/۹۲۰ به دست آمد. با حذف گویه‌های ۶، ۳۲، ۳۸، ۶۵ و ۷۰ به دلیل قدرت تشخیص ضعیف، این ضریب به ۰/۹۴۶ افزایش یافت. ضریب پایایی^۷ مقیاس RBQ از طریق بازآزمایی، با انتخاب تصادفی یک گروه ۵۰ نفری و اندازه‌گیری دوباره آنها پس از گذشت یک ماه برابر با ۰/۹۲۵ ($P < ۰/۰۱$) به دست آمد.

ب) رواسازی RBQ

۱) **روایی عاملی اکتشافی**: نتایج محاسبه‌های اولیه تحلیل مؤلفه‌های اصلی نشان دادند که اندازه KMO^۸ برابر با ۰/۹۳۶ و مشخصه آزمون کرویت بارتلت^۹ نیز برابر با ۱۶۱۰۰/۴۹۵ و از لحاظ آماری معنادار است. افزون بر این، برونشد اولیه رایانه نیز مشخص کرد که مقدار دترمینان ماتریس همبستگی، عددی غیر صفر (برابر با ۰/۰۲۳) و تعداد عناصر غیر قطری بزرگتر از ۰/۰۹ در ماتریس AIC^{۱۰}، ۳/۱ درصد است که نشان می‌دهد بر پایه این داده‌ها می‌توان به استخراج عاملها اطمینان کرد.

نتایج تحلیل مؤلفه‌های اصلی مبین آن بود که ارزشهای ویژه ۱۳ عامل بزرگتر از یک است و بر روی هم ۵۸/۸۲ درصد کل واریانس متغیرها را تبیین می‌کند. نتایج محاسبه میزان اشتراک مواد مجموعه ۶۶ گویه‌ای نشان دادند که کمترین میزان اشتراک برابر با ۰/۴۶۲، ۰/۴۶۵ و ۰/۴۷۲ است و به ترتیب به گویه‌های ۶۹ (باید آنچه درباره همسر من فکر می‌کنم با او در میان بگذارم)، ۵۸ (دلتم می‌خواهد رابطه من و همسر من همیشه همینطور که هست باقی بماند)، و ۹ (فقط یک نفر وجود دارد که شایسته من است). تعلق دارد. بیشترین میزان اشتراک نیز برابر با ۰/۶۸۸، ۰/۶۸۵ و ۰/۶۸۵ و به ترتیب متعلق به گویه‌های ۶۸ (همسر من

لمبرت (۱۹۸۵) نیز نشان دادند که بین نمره IBT و مشکلات هیجانی^۱ رابطه مثبت وجود دارد.

تحلیل داده‌ها بر پایه نظریه کلاسیک تست^۲ انجام شد. ابقا یا حذف مواد پرسشنامه به اتکای درجه دشواری (مطلوبیت)، همبستگی هر گویه با نمره کل مقیاس (قدرت تشخیص) و نیز مشخصه‌های آماری تحلیل عاملی صورت گرفت. ضرایب اعتبار از طریق فرمول کلی ضریب آلفای کرونباخ و بازآزمایی (با فاصله یک ماه) برآورد شد. روایی مقیاس نیز از طریق روایی عاملی (تحلیل مؤلفه‌های اصلی^۳ PC با چرخش متمایل^۴، تحلیل عاملی تأییدی^۵) و روایی همگرا^۶ برآورد همبستگی مقیاس با باورهای غیرمنطقی جونز (IBT) به دست آمد.

یافته‌ها

الف) اعتباریابی RBQ

نتایج اعتباریابی از طریق روش همبستگی درونی و برآورد میانگین و قدرت تشخیص گویه‌ها نشان داد که گویه‌های ۳ (اگر همسر من را دوست دارم، نباید بدون او در جمع خانواده یا دوستان شرکت کنم)، ۷ (اگر من و همسر من برای هم ارزش قائل باشیم، دیگر نیازی نیست که برای بهبود روابط فعلی خود تلاش کنیم)، ۱۲ (اگر همسر من واقعاً به من علاقه دارد، نباید بدون من با دیگران معاشرت کند)، ۳۶ (یک رابطه خوب می‌تواند بدون هیچ تلاشی تا آخر حفظ شود)، ۳۹ (همسر من باید بتواند بدون آنکه من خواسته‌هایم را به زبان بیاورم از آنها خبر داشته باشد)، ۵۶ (همسر من باید از نیازهایم اطلاع داشته باشد، حتی اگر آنها را به زبان نیاورم)، ۶۱ (برای اینکه بتوانم خودم را کاملاً وقف زندگی زناشویی کنم باید تقریباً از خودم دست بکشم.) و ۶۳ (باید بتوانم فعالیتها و دوستیهایم که با دیگران دارم را فدای زندگی زناشویی‌ام کنم) از درجه مطلوبیت بیشتر، و گویه‌های ۳۱ (یک رابطه عاشقانه باید بادوام و پایدار باشد)، ۴ (باید همیشه نسبت به همسر من مهربان باشم)، ۲۲ (رابطه جنسی با همسر من باید همیشه

1. emotional problems
2. Classic Test Theory (CTT)
3. principle components
4. oblique rotation

5. confirmatory factor analysis
6. convergent validity
7. stability
8. Kaiser - Meyer - Olkin

9. Bartlett test of sphericity
10. Anti Image Covariance

که با توجه به درجه آزادی آن (۱۴۳) از لحاظ آماری معنادار ($P = 0/152$) نبود. نتیجه این است که ارقام ماتریس همبستگی بین متغیرها که با استفاده از ۷ عامل استخراجی دوباره تولید می‌شود، با ماتریس همبستگی اولیه تفاوت معنادار نشان نمی‌دهد.

جدول ۲: ارزش ویژه، درصد تبیین واریانس و درصد تراکمی عاملهای هفتگانه RBQ

عامل	ارزش ویژه	درصد واریانس	درصد تراکمی
۱	۱۵/۹۸	۲۷/۰۵	۲۷/۰۵
۲	۵/۲۱	۸/۶۱	۳۵/۶۶
۳	۲/۴۶	۴/۱۸	۳۹/۸۴
۴	۲/۱۲	۳/۵۵	۴۳/۳۹
۵	۱/۵۲	۲/۶۲	۴۶/۰۱
۶	۱/۳۷	۲/۳۶	۴۶/۳۷
۷	۱/۳۳	۲/۲۸	۵۰/۶۵

(۲) **روایی عاملی تأییدی:** به منظور تأیید عاملهای استخراج شده از پرسشنامه باورهای ارتباطی، مدل تحلیل عاملی تأییدی با کاربرد بسته نرم افزاری LISREL اجرا شد. نتایج محاسبه‌ها و نمودار مدل اندازه‌گیری برای عوامل مورد مطالعه به ترتیب در جدولهای ۴ و ۵، و شکل ۱ منعکس شده است. عامل یکم در مدل بالا به عنوان مقیاس متریک مدل و برابر با ۱ در نظر گرفته شد.

چنانکه در جدول ۴ دیده می‌شود بالاترین ضریب مسیر (۰/۸۶) متعلق به عامل سوم (انحصارطلبی در روابط) است. این عامل ۷۵ درصد واریانس باورهای روابط زناشویی را تبیین می‌کند. بعد از عامل سوم، بالاترین ضریب مسیر (۰/۷۴) به عامل ششم (خواندن افکار یکدیگر) تعلق دارد. این عامل تبیین‌کننده ۵۵ درصد از واریانس متغیر مورد مطالعه است. از سوی دیگر، کمترین ضریب مسیر^۲ (۰/۲۲) متعلق به عامل پنجم (منطقی بودن و پذیرش متقابل) است که تنها ۴ درصد واریانس پرسشنامه باورهای ارتباطی را تبیین می‌کند ($R^2 = 0/04$). ضرایب مسیر بقیه عاملها از ۰/۵ بالاتر است.

باید همیشه با من روراست و صادق باشد)، ۲ (همسرم باید بداند در فکر (ذهن) من چه می‌گذرد) و ۱۰ (از اینکه همسرم نتواند همه افکار و احساسهای خود را نسبت به من بیان کند، ناراحت می‌شوم) است. میزان اشتراک بقیه گویه‌ها بالاتر از ۰/۴۸۵ بود.

پس از چندین بار اجرای تحلیل عاملی و استخراج عاملهای متعدد از طریق چرخشهای متمایل و متعامد^۱ و مقایسه عاملهای استخراج شده با ساختار نظری مقیاس و مبانی نظری موجود و نیز در نظر گرفتن مفروضه‌های تحلیل عاملی، تصمیم گرفته شد که تعداد ۷ عامل با روش پرومکس استخراج شود. این ۷ عامل بر روی هم ۵۰/۶۵ درصد کل واریانس را تبیین کرد. ارزشهای ویژه این ۷ عامل و درصد واریانس هر یک از آنها در جدول ۲ منعکس شده است. نتیجه چرخش متمایل عاملها نیز نشان داد که تعداد ۸ گویه به شماره‌های ۷، ۱۰، ۱۵، ۲۴، ۱۷، ۵۴، ۵۷، ۶۸ دارای بار عاملی کمتر از ۰/۳۵ است و باید از مجموع مقیاس حذف شوند. افزون بر این، مشخص شد: (۱) گویه‌های ۶۸ و ۱۱ بسیار پیچیده و وزن آنها به ترتیب متمرکز بر ۴ و ۳ عامل است. گویه ۶۸ در عاملهای یکم، چهارم، پنجم و هفتم و گویه ۱۱ در عاملهای یکم، سوم و هفتم بار دارند.

(۲) گویه‌های ۲۹، ۱۹، ۴۳، ۴۴، ۱، ۳ و ۵۹ نیز دارای پیچیدگی هستند و دست کم در دو عامل بار عاملی تقریباً برابر دارند.

(۳) بقیه گویه‌ها یا بسیار ناب و فاقد پیچیدگی هستند یا بار عاملی آنها بر روی عاملهای اصلی فاصله زیادی با عوامل دیگر دارد.

(۴) حداکثر ضریب در ماتریس ساختار برابر با ۰/۷۸۴ و متعلق به گویه ۱ (همسرم باید همه افکار و احساسهایش را با من در میان بگذارد) است.

مجموعه گویه‌هایی که مشترکاً با یک عامل همبسته بوده و تشکیل یک پاره تست دادند به همراه نام، ضریب اعتبار و خطای استاندارد اندازه‌گیری هر یک در جدول ۳ نشان داده شده است. مقدار برازندگی مجذورکای به منظور توجیه فرآیند عامل‌یابی برابر با ۱۷۲/۱۹۷ به دست آمد

جدول ۳: تعداد گویه‌ها، نام، ضرایب اعتبار و خطای استاندارد عامل‌های هفتگانه RBQ

عامل	تعداد گویه	نام عامل	اعتبار	خطای استاندارد
یکم	۲۴	کامل بودن و عالی بودن همه چیز در روابط زناشویی	۰/۹۴	۳/۵۲
دوم	۹	وابستگی متقابل	۰/۸۱	۲/۳۴
سوم	۷	انحصارطلبی در روابط، پافشاری در ارضای همه نیازها از طرف همسر	۰/۷۹	۲/۰۰
چهارم	۶	فداکردن خود برای دیگری	۰/۷۵	۲/۰۶
پنجم	۵	منطقی بودن و پذیرش متقابل	۰/۷۰	۱/۷۹
ششم	۴	خواندن افکار یکدیگر	۰/۷۳	۱/۴۳
هفتم	۳	آگاهی از افکار، احساسها و نیازهای گذشته یکدیگر	۰/۶۱	۱/۲۹
کل	۵۸		۰/۹۵	۶/۰۳

جدول ۴: مشخصه‌های آماری مدل تحلیل عاملی تأییدی

برای عامل‌های RBQ*

عامل	b	β	t	SE	R ²
یکم	۱/۰۰	۰/۶۵	—	۰/۵۸	۰/۴۲
دوم	۰/۹۸	۰/۵۳	۱۴/۵۵	۰/۶۰	۰/۴۰
سوم	۱/۴۵	۰/۸۶	۱۰/۶۹	۰/۲۵	۰/۷۵
چهارم	۰/۹۸	۰/۵۴	۸/۹۰	۰/۷۱	۰/۲۹
پنجم	۰/۳۳	۰/۲۲	۳/۷۵	۰/۹۶	۰/۰۴
ششم	۳/۵۷	۰/۷۴	۷/۵۰	۰/۴۵	۰/۵۵
هفتم	۴/۷۹	۰/۶۶	۶/۳۱	۰/۵۷	۰/۴۳

* همه ضرایب استاندارد شده مسیر در سطح کمتر از ۰/۰۱ معنادار است.

چنانکه در جدول ۵ دیده می‌شود همه شاخصهای برآورد شده نشان می‌دهند که مدل از برازش خوبی با

داده‌ها برخوردار است. مجذورکای (۱۶/۸۹) از لحاظ آماری معنادار نیست. نسبت مجذورکای به درجه آزادی نیز (۱/۶۹) مطابق با ملاکهای پیشنهادی بایرن (۱۹۸۹) و بنتلر (۱۹۹۰) است که مقدار مناسب را کمتر از ۲ می‌دانند. شاخصهای GFI^۱ و CFI^۲ نیز بسیار قابل ملاحظه (بالتر از ۰/۹۵) و بیانگر برازش مناسب داده‌هاست. ریشه دوم واریانس خطای تقریب^۳ (RMSEA) نیز برابر با (۰/۰۳۶) و حد بالای آن بسیار کمتر از ۰/۰۵ است و می‌توان نتیجه گرفت درجه تقریب مدل در جامعه بزرگ نیست (براون و کادک، ۱۹۹۳). شاخص روایی متقاطع مورد انتظار^۴ (ECVI) برابر با ۰/۰۹۹ و کمتر از مقدار این شاخص برای مدل اشباع^۵ (۰/۱۱) و مطابق با ملاکی است که جورسکاک و سوربوم (۲۰۰۳) ارائه کرده‌اند.

جدول ۵: شاخصهای برازندگی مدل عامل‌های هفتگانه RBQ

RMSEA	CFI	AGFI	GFI	P	χ^2 / df	df	χ^2
۰/۰۳۶	۰/۹۶	۰/۸۷	۰/۹۵	۰/۰۷۶	۱/۶۹	۱۰	۱۶/۸۹

که بر پایه چرخش پروماکس و در نظر گرفتن همبستگی بین عاملها به دست آمد، پارامترهای $\delta_{۱,۲}$ (خطای مشترک اندازه‌گیری بین عاملهای کمال‌گرایی و وابستگی)، $\delta_{۵,۱}$ (کمال‌گرایی و منطقی‌بودن)، $\delta_{۵,۲}$ (عاملهای وابستگی

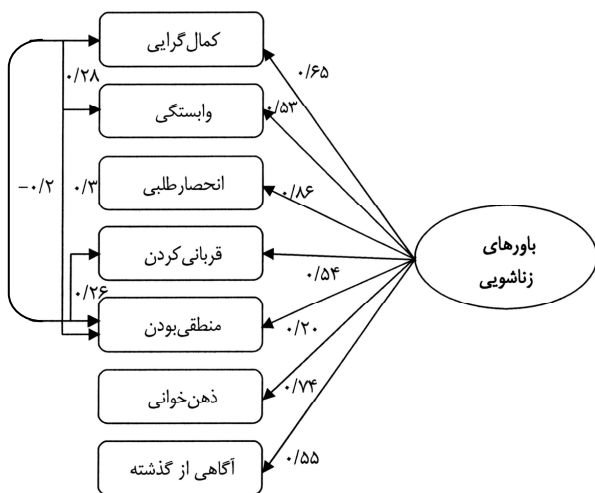
به منظور برازش کامل مدل با داده‌ها تلاش شد تا با آزادکردن برخی پارامترها بر پایه شاخصهای تعدیل، مدل بهبود یابد. بدین ترتیب، بر پایه شاخصهای پیشنهادی مدل و نیز مبانی نظری مقیاس و نتایج تحلیل عاملی اکتشافی

1. Goodness of Fit Index
2. Comparative of Fit Index

3. Root Mean Square Error of Approximation
4. Excepted Cross-Validation Index

5. saturated

با ۰/۹۱۸ به دست آمد. ضرایب همبستگی بین نمره کل پرسشنامه باورهای ارتباطی و عاملهای هفتگانه با نمره کل آزمون باورهای غیرمنطقی در جدول ۶ نشان داده شده است.



شکل ۱: نمودار ضرایب استاندارد شده مسیر ساختار عاملی RBQ

متقابل و منطقی بودن) و $\delta_{5.4}$ (فداکردن خود برای دیگری و منطقی بودن) آزاد شد. نمودار مسیر تحلیل عاملی تأییدی پس از آزاد کردن پارامترهای مذکور همراه با ضرایب مسیر و شاخصهای برازش اولیه در شکل ۱ نشان داده شده است. چنانکه در شکل ۱ دیده می‌شود عامل پنجم (منطقی بودن) با سه عامل یکم (کمال‌گرایی)، دوم (وابستگی متقابل) و چهارم (فداکردن خود برای دیگری) خطای همبسته دارد.

۳) روایی همگرا: روایی همگرای پرسشنامه باورهای ارتباطی، با محاسبه همبستگی آن با آزمون باورهای غیرمنطقی جونز (۱۹۶۸) به دست آمد. برای این منظور، آزمون ۱۰۰ گویه‌ای باورهای غیرمنطقی در یک گروه نمونه ۹۵ نفری که به تصادف از بین گروه نمونه اصلی انتخاب شدند؛ به اجرا در آمد. ضریب اعتبار آزمون باورهای غیرمنطقی از طریق فرمول کلی آلفای کرونباخ برای این گروه برابر

جدول ۶: ضرایب همبستگی بین نمره کل و عاملهای هفتگانه RBQ با آزمون باورهای غیرمنطقی

نمره کل	عامل یکم	عامل دوم	عامل سوم	عامل چهارم	عامل پنجم	عامل ششم	عامل هفتم
-۰/۳۳**	-۰/۲۲*	۰/۱۸	-۰/۴۶**	-۰/۴۷**	۰/۳۲*	-۰/۲۳*	-۰/۴۴**

* P کوچکتر از ۰/۰۵

** P کوچکتر از ۰/۰۱

پ) تبدیل نمره‌های خام به نمره‌های استاندارد
جدول نرم که بر اساس روش تبدیل بر پایه نظریه تستی کلاسیک به دست آمد در جدول ۷ منعکس شده است. چون تفاوت بین میانگینهای مردان و زنان در مقیاس RBQ از لحاظ آماری معنادار نبود، نمره آزمودنیها در کل، مبنای محاسبه جدول نرم قرار گرفت. چنانکه در جدول ۷ مشخص است ستون یکم، از چپ به راست معرف نمره آزمودنی در پرسشنامه باورهای ارتباطی و ستون دوم نمره Z متناظر با آن است. بدین ترتیب، با داشتن نمره هر زن و مرد متأهل تهرانی می‌توان دریافت که چند درصد از افراد دارای باورهای روابط زناشویی غیرمنطقی‌تر بیشتری نسبت به وی هستند. بر پایه این جدول، برای نمونه، نمره استاندارد کسی که در این مقیاس نمره ۹۰ به دست آورده باشد، برابر با ۱/۱۱- است. یعنی باورهای غیرمنطقی وی در روابط زناشویی از ۸۶/۶۷ درصد افراد متأهل تهرانی بیشتر است.

نتایج جدول ۶ نشان‌دهنده روایی همگرای پرسشنامه باورهای ارتباطی است. بدین ترتیب که هر چه باورهای غیرمنطقی در روابط زناشویی بیشتر باشد افکار غیرمنطقی کلی نیز بیشتر است. از سوی دیگر، بیشترین ضریب به ترتیب به باورهای غیرمنطقی با عامل سوم (انحصارطلبی در روابط) و عامل چهارم (فداکردن خود برای دیگری) و کمترین ضریب به عامل ششم (خواندن افکار یکدیگر) متعلق است. افزون بر این، ضریب همبستگی مثبت (۰/۳۲۰) بین عامل پنجم (منطقی بودن و پذیرش متقابل یکدیگر) و باورهای غیرمنطقی، بیانگر آن است که هر چه منطقی بودن و پذیرا بودن شرایط همسر بیشتر باشد، باورهای غیرمنطقی کمتر است. از این مطلب می‌توان روایی واگرا (تشخیصی) عامل پنجم پرسشنامه باورهای ارتباطی را نیز استنباط کرد.

جدول ۷: تبدیل نمره‌های خام RBQ به نمره‌های استاندارد برای کل گروه

نمره خام	نمره Z	نمره خام	نمره Z	نمره خام	نمره Z	نمره خام	نمره Z
۵۸	-۲/۳۰	۹۶	-۰/۸۹	۱۳۴	-۰/۵۱	۱۷۲	۱/۹۱
۵۹	-۲/۲۷	۹۷	-۰/۸۶	۱۳۵	-۰/۵۴	۱۷۳	۱/۹۵
۶۰	-۲/۲۳	۹۸	-۰/۸۲	۱۳۶	-۰/۵۸	۱۷۴	۱/۹۹
۶۱	-۲/۱۹	۹۹	-۰/۷۸	۱۳۷	-۰/۶۲	۱۷۵	۲/۰۲
۶۲	-۲/۱۶	۱۰۰	-۰/۷۴	۱۳۸	-۰/۶۵	۱۷۶	۲/۰۶
۶۳	-۲/۱۱	۱۰۱	-۰/۷۱	۱۳۹	-۰/۶۹	۱۷۷	۲/۱
۶۴	-۲/۰۸	۱۰۲	-۰/۶۷	۱۴۰	-۰/۷۳	۱۷۸	۲/۱۳
۶۵	-۲/۰۴	۱۰۳	-۰/۶۳	۱۴۱	-۰/۷۶	۱۷۹	۲/۱۷
۶۶	-۲/۰۱	۱۰۴	-۰/۶۰	۱۴۲	-۰/۸۰	۱۸۰	۲/۲۱
۶۷	-۱/۹۷	۱۰۵	-۰/۵۶	۱۴۳	-۰/۸۴	۱۸۱	۲/۲۵
۶۸	-۱/۹۳	۱۰۶	-۰/۵۲	۱۴۴	-۰/۸۸	۱۸۲	۲۸/۲
۶۹	-۱/۸۹	۱۰۷	-۰/۴۸	۱۴۵	-۰/۹۱	۱۸۳	۲/۳۲
۷۰	-۱/۸۶	۱۰۸	-۰/۴۵	۱۴۶	-۰/۹۵	۱۸۴	۲/۳۶
۷۱	-۱/۸۲	۱۰۹	-۰/۴۱	۱۴۷	-۰/۹۹	۱۸۵	۲/۴۰
۷۲	-۱/۷۸	۱۱۰	-۰/۳۷	۱۴۸	۱/۰۲	۱۸۶	۲/۴۳
۷۳	-۱/۷۴	۱۱۱	-۰/۳۴	۱۴۹	۱/۰۶	۱۸۷	۲/۴۷
۷۴	-۱/۷۱	۱۱۲	-۰/۳۰	۱۵۰	۱/۱	۱۸۸	۲/۵
۷۵	-۱/۶۷	۱۱۳	-۰/۲۶	۱۵۱	۱/۱	۱۸۹	۲/۵۴
۷۶	-۱/۶۳	۱۱۴	-۰/۲۳	۱۵۲	۱/۷۷	۱۹۰	۲/۵۸
۷۷	-۱/۶۰	۱۱۵	-۰/۱۹	۱۵۳	۱/۲۱	۱۹۱	۲/۶۲
۷۸	-۱/۵۶	۱۱۶	-۰/۱۵	۱۵۴	۱/۲۵	۱۹۲	۲/۶۵
۷۹	-۱/۵۲	۱۱۷	-۰/۱۱	۱۵۵	۱/۲۸	۱۹۳	۲/۶۹
۸۰	-۱/۴۸	۱۱۸	-۰/۰۸	۱۵۶	۱/۳۲	۱۹۴	۲/۷۳
۸۱	-۱/۴۵	۱۱۹	-۰/۰۴	۱۵۷	۱/۳۶	۱۹۵	۲/۷۷
۸۲	-۱/۴۱	۱۲۰	-۰/۰۰	۱۵۸	۱/۳۹	۱۹۶	۲/۸۰
۸۳	-۱/۳۷	۱۲۱	-۰/۰۲	۱۵۹	۱/۴۳	۱۹۷	۲/۸۴
۸۴	-۱/۳۴	۱۲۲	-۰/۰۶	۱۶۰	۱/۴۷	۱۹۸	۲/۸۸
۸۵	-۴/۳۰	۱۲۳	-۰/۱۰	۱۶۱	۱/۵۱	۱۹۹	۲/۹۱
۸۶	-۱/۲۶	۱۲۴	-۰/۱۴	۱۶۲	۱/۵۴	۲۰۰	۲/۹۵
۸۷	-۱/۲۳	۱۲۵	-۰/۱۷	۱۶۳	۱/۵۸	۲۰۱	۲/۹۹
۸۸	-۱/۱۹	۱۲۶	-۰/۲۱	۱۶۴	۱/۶۲	۲۰۲	۳/۰۳
۸۹	-۱/۱۵	۱۲۷	-۰/۲۵	۱۶۵	۱/۶۵	۲۰۳	۳/۰۶
۹۰	-۱/۱۱	۱۲۸	-۰/۲۸	۱۶۶	۱/۶۹	۲۰۴	۳/۱۰
۹۱	-۱/۰۸	۱۲۹	-۰/۳۲	۱۶۷	۱/۷۳	۲۰۵	۳/۱۴
۹۲	-۱/۰۴	۱۳۰	-۰/۳۶	۱۶۸	۱/۷۶	۲۰۶	۳/۱۷
۹۳	-۱/۰۰	۱۳۱	-۰/۳۹	۱۶۹	۱/۸۰	۲۰۷	۳/۲۱
۹۴	-۰/۹۷	۱۳۲	-۰/۴۳	۱۷۰	۱/۸۴	۲۰۸	۳/۲۵
۹۵	-۰/۹۳	۱۳۳	-۰/۴۷	۱۷۱	۱/۸۸		

بحث و نتیجه‌گیری

بی‌تردید، بسیاری از مشکلات روانی ریشه در باورها و افکار غیرمنطقی و غیرواقعی در مورد خود، دیگران و جهان پیرامون دارد. این باورها دارای هدفها یا خواسته‌هایی هستند که به شکل اولویتها و ترجیحهایی ضروری نمود پیدا می‌کنند و در صورت برآورده نشدن موجب آشفتگی فکری می‌شوند. به اعتقاد بسیاری از نظریه‌پردازان (الیس، ۱۹۹۹، ۲۰۰۰، ۲۰۰۱؛ درایز و بک، ۱۹۹۸؛ اپشتاین، ۱۹۸۶؛ داتیلیو، ۲۰۰۰) شمار زیادی از واکنشهای نامطلوب و اختلالها، ناشی از باورها و تفکرات غیرمنطقی و غیرعقلانی است و تا زمانی که اینگونه افکار تداوم یابند، مشکلات مربوط به ارتباط، پذیرش و همراهی با دیگران نیز ادامه خواهند یافت. بدین ترتیب، بسیاری از مشکلات انسانی را می‌توان زاده باورها و تفکرات خیالی و بی‌معنای انسان دانست.

طبقه‌بندیهای گوناگونی از افکار و باورهای ناکارآمد و غیرمنطقی در زمینه‌های مختلف روابط فردی (مانند روابط زناشویی) و اجتماعی ارائه شده‌اند. این گوناگونی نشان می‌دهد که عوامل و زمینه‌های مختلف زیست‌شناختی، اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی می‌توانند به باورها و افکار غیرمنطقی متعددی بیانجامند. برای نمونه، الیس (۲۰۰۱) معتقد است که انسان این استعداد را دارد که طرز تفکر و باورهای غیرمنطقی را از والدین یا عوامل فرهنگی کسب کند. به اعتقاد صاحب‌نظران دیگر (مانند، جونز و چائو، ۱۹۹۷) نیز جوامع و خانواده‌ها از نظر گرایش به ایجاد انواع باورهای منطقی و غیرمنطقی با یکدیگر متفاوتند. ارزیابی بافت فرهنگی که در آن استانداردهای رابطه مطرح و تقویت می‌شوند، از اهمیت زیادی برخوردارند. زوجهایی که از نظر زمینه فرهنگی، قومی و نژادی با هم تفاوت دارند، از لحاظ انتظاراتها و باورهای روابط زناشویی نیز با یکدیگر متفاوتند. اگر زنان و شوهران بتوانند به گونه‌ای عاقلانه نقاط قوت و نیز تفاوت‌های فرهنگی یکدیگر را در نظر بگیرند، این تفاوتها در پیش فرضها و مفروضه‌های باورهای آنان می‌توانند منبع قدرت یک رابطه باشند.

در پژوهش حاضر با در نظر گرفتن این واقعیت، سعی بر این بود که ویژگیها و انواع باورهای غیرمنطقی در

جامعه ایرانی بررسی، طبقه‌بندی و ارزیابی شود. بدین منظور، یکی از رایج‌ترین پرسشنامه‌های سنجش باورهای غیرمنطقی در روابط زناشویی، یعنی پرسشنامه باورهای ارتباطی (RBQ؛ رومنس و دی‌بورد، ۱۹۹۵) مورد مطالعه قرار گرفت تا افزون بر موارد یاد شده، مبنای مناسبی نیز برای مقایسه نتایج با مطالعات سایر فرهنگها و جوامع فراهم آید.

هر چند مؤلفان پرسشنامه باورهای ارتباطی مدعی هستند که محتوای پرسشنامه ۷۱ گویه‌ای، ۹ عامل مختلف را اندازه‌گیری می‌کند، اما با توجه به این واقعیت که به‌گونه کلی، این قبیل پرسشنامه‌ها متأثر از عوامل مختلفی هستند و بر پایه ویژگیهای فرهنگی، روانی و اجتماعی گروههای مورد مطالعه، ممکن است در نمونه‌های متفاوت، عوامل مختلفی به دست دهند، در نخستین گام، مشخصه‌های فنی گویه‌ها، به‌ویژه قدرت تشخیص آنها از طریق برآورد اعتبار و همسانی درونی مقیاس مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این بررسی مشخص کرد که گویه‌های ۶ (اینکه همسرم نتواند برخی از نیازهای مرا برآورد کند اهمیت زیادی ندارد)، ۳۲ (فکر می‌کنم که لازم نیست که همه احساسها و افکار خود را با همسرم در میان بگذارم)، ۳۸ (لزومی ندارد که همیشه با همسرم رو راست و صادق باشم)، ۶۵ (ضرورتی ندارد که همه خواسته و احتیاجاتم را با همسرم در میان بگذارم)، و ۷۰ (همسرم مجبور نیست درباره همه خواسته‌ها و نیازهایش با من حرف بزند) دارای قدرت تشخیص ضعیف و نزدیک به صفر بودند. به بیان دیگر، این گویه‌ها نتوانستند بین کسانی که نسبت به روابط زناشویی باورهای کارآمدتر دارند با کسانی که باورها و افکار آنها غیرمنطقی و ناکارآمدتر است، تمایز ایجاد کنند و از لحاظ فنی برای اندازه‌گیری خصیصه مورد مطالعه مناسب نبودند. بررسی محتوای گویه‌ها نشان می‌دهد که آنها جنبه‌های مثبت و کارآمد روابط زناشویی را، بر پایه مبانی نظری موجود، اندازه‌گیری می‌کنند. به بیان دیگر، این گویه‌ها، بیانگر باورهای منطقی و کارآمد روابط زناشویی هستند. اما در این پژوهش به دلیل قدرت تشخیص ضعیف حذف شده‌اند. حذف این گویه‌ها در واقع می‌تواند بیانگر این باشد که نمونه مورد

طول مقیاس بیشتر باشد، مقدار این ضریب نیز بیشتر خواهد بود (ثرن‌دایک، ۱۹۸۲/۱۳۷۵)، در این پژوهش با کاهش مجموعه مقیاس به ۵۸ گویه، ضرایب به دست آمده رضایت‌بخش و قابل ملاحظه‌اند.

نتایج مربوط به اعتباریابی عامل‌های استخراج شده نیز نشان می‌دهد که دامنه ضرایب هماهنگی درونی بین ۰/۶۱ (عامل هفتم، آگاهی از افکار، احساسها و نیازهای گذشته همسر) تا ۰/۹۴ (عامل یکم، کامل بودن همه چیز در روابط زناشویی) قرار گرفته است و با یافته‌های رومنس و دی‌بورد (۱۹۹۵) همسویی قابل توجهی دارد. با وجود اینکه تعداد گویه‌های برخی از عوامل (به ویژه ششم و هفتم) نسبتاً محدود و به ترتیب برابر با ۴ و ۳ گویه است، اما ضرایب اعتبار آنها قابل ملاحظه و با ملاک‌های تعیین شده (هومن، ۱۳۸۴؛ ثرن‌دایک، ۱۹۸۲ / ۱۳۷۵) همخوانی دارد. نتایج مربوط به هدف اصلی پژوهش یعنی تعیین عوامل و ساختار عاملی RBQ در جامعه ایرانی نشان داد که مجموعه گویه‌های مقیاس برخلاف یافته‌های رومنس و دی‌بورد (۱۹۹۵) در جامعه مورد مطالعه از هفت عامل تشکیل شده است.

مجموعه گویه‌های نخستین عامل، که بیشترین تعداد (۲۴) را دارد، بیانگر باور کامل بودن همه چیز در روابط زناشویی و نیز انتظارهای بیش از حد از آن است. این عامل تقریباً با عامل ششم رومنس و دی‌بورد (۱۹۹۵) یکسان است و نشان می‌دهد که در جامعه ایرانی عمده‌ترین و اولویت‌دارترین باور در روابط زناشویی، اعتقاد به این موضوع است که در روابط زناشویی همه چیز باید به بهترین و کاملترین شکل باشد. افزون بر این، ویژگی عمده و مشترک گویه‌های این عامل، قطعیت در مؤلفه‌های روابط زناشویی است به گونه‌ای که تقریباً در همه آنها نوعی دستور و باید، که بیانگر قطعیت داشتن و ضرورت کامل بودن ابعاد روابط زناشویی است، وجود دارد.

ساختار محتوایی این عامل با نظریه الیس (۱۹۹۱)، (۲۰۰۱) همسویی قابل ملاحظه‌ای دارد. به اعتقاد الیس، یکی از ویژگی‌های اصلی افکار و باورهای ناکارآمد توقعات خشک و انعطاف‌ناپذیری است که معمولاً با کلمات باید و حتماً بیان می‌شوند و الزام‌آور به حساب می‌آیند. به

مطالعه نسبت به جنبه‌هایی از افکار ناکارآمد در روابط زناشویی، به ویژه در میان گذاشتن همه خواسته‌ها، نیازها و احساسها با یکدیگر، با سایر نمونه‌های مورد مطالعه (مانند رومنس و دی‌بورد، ۱۹۹۵؛ دی‌بورد و دیگران، ۱۹۹۶؛ سالیوان و شوبل، ۱۹۹۵) تفاوت قابل ملاحظه‌ای دارند.

به بیان دیگر، به نظر می‌رسد در جامعه ایرانی برخی از باورها، صرف‌نظر از کارآمد و منطقی بودن یا نبودن آنها، برای روابط زناشویی از قطعیت و ضرورت زیادی برخوردارند. زیرا کسانی که در دامنه گسترده‌ای از باورهای منطقی تا غیرمنطقی قرار داشته‌اند، پاسخ یکسانی به آنها داده‌اند. بنابراین می‌توان گفت اینگونه باورها در واقع یکی از اصول اولیه روابط زناشویی در جامعه مورد مطالعه است. اما نتایج مطالعات دیگر (رومنس و دی‌بورد، ۱۹۹۵؛ کایسر و هیمل، ۱۹۹۴) بیانگر آن است که مجموع این گویه‌ها یکی از ابعاد و جنبه‌های باورهای روابط زناشویی را تشکیل می‌دهد و پاسخ مثبت به آنها بیانگر باورهای منطقی‌تر و کارآمدتر در روابط زناشویی است. به گونه‌ای که مؤلفان یکی از نه عامل مقیاس اصلی را به عنوان کاملاً صادق و پذیرش متقابل در همه مواقع نامگذاری کرده‌اند. با آنکه در پژوهش حاضر نیز یکی از عوامل به دست آمده در واقع، بعد مثبت افکار را در روابط زناشویی نشان می‌دهد اما این نوع باور در آن قرار نگرفته است.

نتایج حاصل از اعتباریابی پرسشنامه نشان داد که مجموعه گویه‌های مقیاس از دقت، اعتمادپذیری، قابلیت تکرار و پایایی مناسبی برخوردار است. به گونه‌ای که می‌توان به نتایج حاصل از آن در اندازه‌گیری اثربخشی مداخله‌های درمانگری و مشاوره، و نیز مطالعات و پژوهش‌های آتی در زمینه‌های وابسته اعتماد کرد. این یافته با نتایج حاصل از پژوهش رومنس و دی‌بورد (۱۹۹۵) و دی‌بورد و دیگران (۱۹۹۶) کاملاً همسو است. افزون بر این، با آنکه تعداد ۱۳ گویه از مجموعه مقیاس حذف شده است اما ضرایب اعتبار نهایی، تفاوت بسیار ناچیزی با ضرایب مطالعات یاد شده دارند. به رغم آنکه یکی از محدودیت‌های عمده ضریب هماهنگی درونی (بر پایه آلفای کرونباخ) وابسته بودن آن به تعداد گویه‌ها و مواد آزمون است و هر چه

که انتظاراتهای غیرواقع‌بینانه از یکدیگر دارند، آن است که معنای عشق و دوست داشتن را در وابستگی شدید به یکدیگر، همیشه و همه جا در کنار هم بودن و خوشحال کردن یکدیگر در همه شرایط جستجو می‌کنند.

انحصارطلبی در روابط و پافشاری در ارضای نیازها از طرف مقابل، عامل سوم را تشکیل می‌دهد. این عامل در مقیاس اصلی با اندکی جابجایی، تحت عنوان ارضاکردن همه نیازها آمده است. با آنکه به نظر برخی از پژوهشگران (مانند اپشتاین و باوکا، ۲۰۰۲) روابط صمیمی و سالم می‌توانند از طریق ارضای نیازهای مهم فرد دیگر فراهم آیند و موجب آسایش زن و شوهر شوند. اما باور به اینکه همسر باید ارضا کننده همه نیازها در هر شرایطی باشد نوعی باور ناکارآمد و غیرمنطقی به حساب می‌آید. به اعتقاد لوینگر و هاستون (۱۹۹۰) یکی از مبانی اصلی این نوع افکار و باورها در اکثر فرهنگها این است که افراد روابط زناشویی را منبع انحصاری حمایت و عاطفه می‌دانند.

به نظر بسیاری از محققان (آدیس و برنارد، ۲۰۰۰؛ استاکرت و بورسک، ۲۰۰۳؛ برنشتاین و برنشتاین ۱۳۸۰/۱۹۸۹) انتظار اینکه همسر باید همه نیازها را برآورده کند ناشی از این باور است که ازدواج می‌تواند همه نیازهای روانی را تحقق بخشد. از سوی دیگر، انحصار-طلبی که به محدود کردن همسر به روابط زناشویی و قطع یا کاهش سایر روابط فردی اشاره دارد، از دیگر جنبه‌ها و ابعاد باورهای غیرمنطقی در این رابطه است. این گونه زوجها به شدت معتقدند که دوست داشتن در زندگی زناشویی به معنای گذراندن تمام اوقات با همسر، کاهش معاشرت با دوستان، سایر افراد زندگی و یا شرکت در مهمانیها و مجالس فقط با حضور دیگری است. اما چون زندگی واقعی، به‌ویژه در شرایط کنونی، امکان تحقق این باور را فراهم نمی‌سازد و یا دست کم آن را بسیار کاهش می‌دهد، منجر به نارضایتی و ناخشنودی از زندگی می‌شود. مجموعه شش گویه‌ای عامل چهارم بیانگر باور همسران به فداکردن زندگی و نیازهای خود برای دیگری است. محتوای برخی از گویه‌های این عامل مانند (همسر باید فعالیتها و دوستیهای خود را مشتاقانه فدای زندگی زناشویی کند، باید بتوانم فعالیتها و دوستیهای را که با

نظر برنشتاین و برنشتاین (۱۹۸۹/۱۳۸۰) نیز کمال‌گرایی در روابط زناشویی بر پایه یک احساس ساده‌انگارانه شادی، کمال و نیز این پندار نامناسب استوار است که با عشق می‌توان بر هر چیزی چیره شد. به اعتقاد لازاروس، لازاروس و آلن (۲۰۰۱/۱۳۸۵) کمال‌گرایی از یکسو، معمولاً باعث رقابت ناسالم و از سوی دیگر، منجر به رفتارهای غیراخلاقی مانند تقلب و دروغگویی می‌شود. بنابراین، هرگز نمی‌تواند رضایت فردی را به وجود آورد.

انتظار مفرط از ازدواج نیز یکی دیگر از جنبه‌های این باور ناکارآمد را تشکیل می‌دهد. به اعتقاد برخی از پژوهشگران (لوینگر و هاستون، ۱۹۹۰؛ مارکمن و هالوگ، ۱۹۹۳؛ برادبری، ۱۹۹۵) چون در بسیاری از فرهنگها اکثر جوانان روابط زناشویی را منبع اولیه حمایت و عاطفه می‌دانند و انتظار بالایی از آن دارند، در ابتدای زندگی زناشویی خشنودی زیادی نشان می‌دهند، اما به دلیل انتظاراتهای غیرواقع‌بینانه، این خشنودی به مرور زمان کاهش می‌یابد.

محتوای گویه‌های خوشه‌بندی شده در عامل دوم، باور افراد متأهل به لزوم وابستگی زوجها به یکدیگر و نیز وابستگی به مؤلفه‌ها و نیازهای روابط زناشویی است. عامل وابستگی در مقیاس اصلی با این نام وجود ندارد و گویه‌های آن در عاملهای سوم (انجام همه کارها با یکدیگر)، نهم (رمانتیک‌گرایی)، و هشتم (خوب و کامل بودن روابط رمانتیک) توزیع شده‌اند. اما ساختار این عامل در پژوهش حاضر نشان‌دهنده اعتقاد به وابستگی شدید به یکدیگر و نیز همیشه در کنار هم بودن، به عنوان یکی از ابعاد روابط زناشویی است. این عامل که در آزمون باورهای غیرمنطقی ژاپنی (JIBT؛ ماتسومورا، ۱۹۹۱)، مقیاس باورهای ناکارآمد (DAS؛ وایزمن، ۱۹۷۹)، و مقیاس باورهای ارزیابی‌کننده (EBS؛ چادویک و دیگران، ۱۹۹۹) نیز وجود دارد، یکی از انواع یا ابعاد باورهای غیرمنطقی و ناکارآمد در نظریه‌های شناختی رفتاری (بک، ۱۹۷۰، ۱۹۷۶) و عقلانی - عاطفی (الیس، ۱۹۷۸، ۲۰۰۱) است.

به اعتقاد برخی از پژوهشگران (سین کلیر و نلسون، ۱۹۹۸؛ رید و دوبو، ۱۹۹۷) یکی از ویژگیهای افراد متأهل

نشدن جنبه عملی آنها می‌تواند یک نوع باور منطقی و کارآمد به حساب آید. به بیان دیگر، ضروری نبودن ارضای همه نیازها و احساسها توسط همسر (طبیعی است که همسر نیازهایی داشته باشد که من نتوانم آنها را برآورده کنم)، خشنود کردن دیگری، (اگر با کسی صمیمی باشیم، ضرورتی ندارد که همیشه ما را خوشحال و خشنود کند) که در واقع بیشتر در بر دارنده جنبه عینی و عملیاتی است باوری منطقی و کارآمد به حساب می‌آید.

گویه‌های عامل ششم نشان‌دهنده یکی از رایج‌ترین باورهای ناکارآمد روابط زناشویی، یعنی خواندن افکار و ذهن همسر است. این عامل در مقیاس اصلی رومنس و دی‌بورد (۱۹۹۵) تحت عنوان خواندن افکار یکدیگر (عامل دوم) و در فهرست باورهای ارتباطی (ایدلسون و اپشتاین، ۱۹۸۲) با نام ضرورت خواندن ذهن یکدیگر نیز وجود دارد.

در نظریه بک (۱۹۷۶) خواندن ذهن و پیشگویی افکار و احساسها با عنوان نتیجه‌گیری شتابزده طبقه‌بندی شده است. به اعتقاد بک، همسران در روابط ناموفق زناشویی، بی آنکه برای مشکلات خود دلایل محکمی داشته باشند بر اساس نتیجه‌گیری شتابزده، برخی از انگیزه‌های منفی و بدخواهانه یا ویژگی‌های شخصیتی همسر خود را زمینه‌ساز اصلی گرفتاری و ناخشنودی قلمداد می‌کنند. در واقع آنها دست به ذهن‌خوانی و پیشگویی می‌زنند تا از این طریق بتوانند علتی برای افکار و احساسهای ناخوشایند خود فراهم آورند. به اعتقاد گاتمن و کروکوف (۱۹۸۹) زوجهای آشفته هنگام گفتگو، با توجه به تأکید بر ذهن-خوانی و پیشگویی موافقت یا مخالفت همسر، همواره از هم شکایت می‌کنند بی آنکه بدانند واقعاً در ذهن و فکر یکدیگر چه می‌گذرد.

لی‌هه (۲۰۰۳) نیز معتقد است که یکی از انواع باورهای مخرب، خواندن ذهن یکدیگر است. به اعتقاد وی این نوع باورها با تفکرات خود به‌خودی مانند او فکر می‌کند من فرد شکست خورده‌ای هستم، یا فکر می‌کند که من جذاب نیستم و مانند آن، رابطه دارد. افرادی که دچار این خطای فکری (قضاوت زودرس) هستند بدون داشتن دلایل کافی دست به داوری می‌زنند. این خطا معمولاً به

دیگران دارم فدای زندگی زناشویی‌ام کنم) نشان می‌دهد که یکی از باورهای ناکارآمد در روابط زناشویی این است که زمانی فرد عشق، علاقه و پایبندی خود را به زندگی زناشویی نشان می‌دهد که خود را کاملاً فدای دیگری کند.

به نظر می‌رسد یکی از مؤلفه‌های اصلی این باور، نیاز به تأیید و حمایت از سوی همسر (یا سایر افراد مهم در زندگی) است که می‌بایست با وقف کردن و فداکردن خود برای زندگی زناشویی، تأیید و حمایت بیشتری از همسر دریافت کند. این مفهوم را می‌توان بر پایه نخستین ایدئولوژی جبری الیس (نقل از شیلینگ ۱۹۸۹/۱۳۷۲) که زیربنای افکار و باورهای غیرمنطقی دهگانه وی را تشکیل می‌دهد، تبیین کرد. براساس این ایدئولوژی فرد معتقد است که باید از طرف کسانی که مهم هستند به طور دایم و صمیمانه تأیید شود. در غیر این صورت خود را فرد نالایقی می‌پندارد. بدین ترتیب، نیازها و خواسته‌های طرف مقابل اولویت بیشتری پیدا می‌کنند. به اعتقاد بران و آماتی (۲۰۰۰) نیز بسیاری از زوجها ارزش زیادی برای رابطه با همسران خود قائل هستند و آن را به ارزشها، رغبتها و احساسهای خود ترجیح می‌دهند.

منطقی بودن و پذیرش متقابل، محتوای گویه‌های عامل پنجم را تشکیل می‌دهد. این عامل با نخستین عامل در مقیاس اصلی، با عنوان کاملاً صادق و پذیرا بودن یکدیگر در همه مواقع، تقریباً همسویی دارد. گویه‌های پنجگانه این عامل بیشتر بیانگر پذیرش این باور است که عدم ارضای همه نیازها توسط دیگری امری طبیعی است و حتی در صورت عشق و علاقه شدید به یکدیگر، الزامی وجود ندارد که همه اوقات خود را با هم بگذرانند و انتظار داشته باشند که همیشه بتوانند همدیگر را خوشحال و خشنود کنند.

مقایسه گویه‌های این عامل با گویه‌های حذف شده در مرحله اعتباریابی نشان می‌دهد که برپایه باورهای گروه نمونه مورد مطالعه، در میان گذاشتن و صحبت کردن درباره نیازها، احساسها و افکار با یکدیگر نمی‌تواند جنبه‌ها یا ابعاد (منطقی) روابط زناشویی را تشکیل دهد و برای سنجش افکار و باورهای این رابطه به کار رود، اما محقق

افکار گذشته همسر به‌جای مشکلات کنونی و حل مسئله فعلی آنان است.

به گونه کلی، با آنکه تعداد، ساختار و محتوای عوامل استخراج شده از نسخه فارسی با نسخه اصلی پرسشنامه باورهای ارتباطی تفاوت دارد، اما شواهد نظری و تجربی موجود، از ماهیت عوامل هفتگانه باورهای ارتباطی در جامعه مورد مطالعه حمایت می‌کنند. به بیان دیگر، ابعاد و انواع افکار و باورهای روابط زناشویی در جامعه ایرانی، در چهارچوب مبانی نظری شناختی و عقلانی - عاطفی به عنوان زیربنای باورها و افکار منطقی و غیرمنطقی قرار دارد و شواهد تجربی و پژوهشی نیز وجود این عوامل را به‌ویژه در روابط زناشویی تأیید می‌کنند.

در تعمیم و تفسیر نتایج این مطالعه باید توجه داشت که یافته‌ها ممکن است تحت تأثیر سوگیری پاسخها قرار گرفته باشند. پژوهشهای متعدد سوگیری‌های خاص فرهنگی در پاسخ به گویه‌ها را (به‌ویژه در اینگونه پرسشنامه‌ها) نشان داده‌اند. افزون بر این، با آنکه پرسشنامه باورهای ارتباطی بر پایه نظریه‌های معتبر شناختی، عقلانی عاطفی و سایر نظریه‌های روان‌شناختی تدوین و توسعه یافته است اما بی‌تردید زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی در ساخت و تدوین گویه‌های آن نقش عمده‌ای داشته‌اند. به همین دلیل، برخی از عوامل و گویه‌های پرسشنامه اصلی در مطالعه حاضر حذف و عوامل دیگری به دست آمدند. با آنکه عوامل استخراج شده در این پژوهش با شواهد متعدد تجربی و نظری حمایت شده‌اند، بی‌تردید مؤلفه‌ها و عوامل فرهنگی دیگری نیز وجود دارند که می‌تواند جنبه‌های متعددی از افکار و باورهای ارتباطی را در جامعه مورد مطالعه آشکار سازند. پژوهشهای آتی، به‌ویژه در گروههای غیرمتاهل و نیز دوران پیش از ازدواج آشکارکننده جنبه‌های اخیر خواهند بود.

منابع

- برنز، دیوید، (۱۳۷۱). شناخت درمانی، روان‌شناسی افسردگی (فنون و شناخت شخصیت و تغییر آن). ترجمه: م. قراچه‌داغی، ناشر: مترجم، تاریخ انتشار اثر اصلی، ۱۹۹۰).
- برنشتاین، ف. ا. ج. و برنشتاین، م. ت. (۱۳۸۰). شناخت و

دو شکل فکرخوانی و پیشگویی منفی انجام می‌گیرد. بدین ترتیب، افراد بدون آنکه دیگران اظهارنظر کنند، فکر آنها را منفی تلقی می‌کنند و در واقع دیدگاه منفی خود را به آنان نسبت می‌دهند. برای نمونه، مردی که ادعا می‌کند همسرش وی را دوست ندارد، زیرا با او درباره برخی از مسائل صحبت نمی‌کند ممکن است از این فراتر رفته و اظهار کند که همسرش او را فردی نامطمئن، ناتوان و بدون فکر می‌داند.

گویه‌های عامل هفتم نشانگر نیاز به آگاهی نسبت به افکار و احساسهای گذشته همسر و نیازهای اوست. این عامل در مقیاس اصلی در عامل دوم، خواندن افکار یکدیگر، قرار گرفته است. بدین معنا که یکی از باورهای روابط زناشویی در پایه فرم اصلی این مقیاس آگاهی از نیازها، افکار و احساسها و نیز توانایی پیشگویی و خواندن افکار یکدیگر است. اما با توجه به ساختار عاملی به دست آمده در نمونه مورد مطالعه آگاهی و اطلاع از گذشته همسر توانسته یک طبقه از باورهای روابط زناشویی را به خود اختصاص دهد و آن را از خواندن ذهن و فکر (عامل ششم) جدا سازد. به بیان دیگر، در مطالعه حاضر این دو نوع باور از یکدیگر متمایز شده‌اند، به گونه‌ای که آگاهی و اطلاع از همه گذشته و سابقه زندگی همسر یکی از باورهای ناکارآمد روابط زناشویی را در این جامعه تشکیل می‌دهد. زیرا به نظر می‌رسد که اطلاع از این ویژگیها می‌تواند برای زندگی کنونی مفید باشد.

این نوع باور غیرمنطقی را می‌توان با هفتمین فکر غیرمنطقی الیس (۱۹۷۸، ۱۹۹۱)، یعنی اعتقاد به تأثیر تجربه‌های گذشته در رفتار کنونی، همسو دانست. براساس نظریه الیس افرادی که دارای این باور هستند تجربه‌ها، رویدادهای گذشته و تاریخچه زندگی را تعیین‌کننده رفتار کنونی می‌دانند. اما با آنکه تأثیر گذشته را در تعیین رفتار کنونی به هیچ وجه نمی‌توان نادیده انگاشت، این باور نیز غیرمنطقی است. زیرا رفتارهای گذشته ممکن است برای زمان بدون کاربرد و نامناسب باشند. این باور در واقع به منزله بهانه‌ای به کار می‌رود که مانع تغییر رفتار شود. به عقیده برنز (۱۳۷۱/۱۹۹۰) یکی از باورهای ناکارآمد که به ارتباط ناموفق زن و شوهر می‌انجامد بررسی احساسها و

- 20, 237- 343.
- Brown, M. N., & Amatea, E. S. (2000).** *Love and intimate relationship*. London: Brunner Mazzal Press.
- Browne, M. W., & Cudeck, R. (1993).** Alternative ways of assessing model fit. In K. A. Bollen & J. S. Long (Eds.), *Testing structural equation models* (pp. 136-162) Newbury Park: Sage.
- Byrne, B. M. (1989).** Multigroup comparison and the assumptions of equivalent construct validity across group. *Multivariate Behavioral Research*, 23, 361-375.
- Chadwick, P., Trower, P., & Dagnon, D. (1999).** Measuring negative person evaluations: The Evaluative Beliefs Scale. *Cognitive Therapy and Research*, 23, 549-559.
- Dannenbaum-Daubne S. M., & Horan, J. J. (1999).** The effects of internet-based cognitive restructuring on adolescent self-esteem. *Paper presented at the Annual Meeting of the American Psychological Association*, Boston, August 23, Internet Cognitive Restructuring.
- Datilio, F.M. (2000).** Cognitive-behavior strategies. In J. Carlson and L. Sperry (Eds.). *Brief therapy with individuals and couples*. (pp.33-70). Phoenix, Az : Zeig, Turker and Theisen.
- DeBord, J., Romans, J. S. C., & Krieschok, T. (1996).** Predicting dyadic adjustment from general and relationship-specific beliefs. *Journal of Psychology*, 130, 263-280.
- Derubeis, R. J., & Beck, A. T. (1998).** Cognitive therapy. In K. S. Dobson (Ed.), *Handbook of cognitive-behavior therapies* (pp. 273-306). New York: Guilford Press.
- Eidelson, R. J., & Epstien, N. (1982).** Cognitive and relationship of adjustment, Development of a
- درمان اختلاف‌های زناشویی (زناشویی درمانی). ترجمه ح. ر. سهرابی، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا. (تاریخ انتشار اثر اصلی، ۱۹۸۹).
- ثرن‌دایک، ال. (۱۳۷۵).** روان‌سنجی کاربردی (چاپ چهارم). ترجمه : ح. ع. هومن. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. (تاریخ انتشار اثر اصلی، ۱۹۸۲).
- شیپینگ، ل. (۱۳۷۲).** نظریه‌های مشاوره (دیدگاه‌های مشاوره). ترجمه : خ. آراین، تهران : انتشارات اطلاعات (تاریخ انتشار اثر اصلی، ۱۹۸۹).
- لازاروس، آ.، لازاروس، گ. و آلن، ج. (۱۳۸۵).** چهل فکر سمی. ترجمه : م. فیروز بخت، تهران: انتشارات خدمات فرهنگی رسا (تاریخ انتشار اثر اصلی، ۲۰۰۱).
- هومن، ح. ع. (۱۳۸۴).** اندازه‌گیری‌های روانی‌تربیت (فن تهیه تست). تهران: انتشارات پارسا.
- Addis, J., & Bernard, M. (2000).** Marital adjustment and irrational beliefs. *Journal of Rational – Emotive and cognitive – behavior therapy*, 20, 3-13.
- Beck, A. T. (1970).** Cognitive therapy: Nature and relation to behavior therapy. *Behavior Therapy*, 1, 184-200.
- Beck, A. T. (1976).** *Cognitive therapy and the emotional disorders*. New York: International University Press.
- Beck, A. T. (1987).** Cognitive therapy. In J. K. Zeig ed.), *The evolution of psychotherapy* (pp.149-178) N.Y. Brunner / Mazel.
- Bentler, P. M. (1990).** *Comparative fit indexes in structural models*. *Psychological Bulletin*, 107, 238-246.
- Bradbury, T. N. (1995).** Assessing the four fundamental domains of marriage. *Family Relations*, 44, 459-468.
- Bridges, R. K., & Sanderman, R. (2002).** The Irrational Beliefs Inventory: cross cultural comparisons between American and Dutch samples. *Journal of Rational-Emotive & Cognitive Therapy*,

- 47-52.
- Jones, R. G. (1968).** *A factored measure of Ellis's irrational beliefs with personality and maladjustment correlates.* Unpublished doctoral dissertation. Texas: Technological College.
- Jones, A. C., & Chao, C. M. (1997).** Racial, ethnic and cultural issues in couples therapy. In W. K. Halford and H. J. Markman (Ed.) *Clinical handbook of marriage and couples intervention* (pp. 157-178) Chichester, U. K. Wiley.
- Jöreskog, K. G., & Sörbom, D. (2003).** LISREL (version 8.54). Scientific Software International, Inc.
- Kayser, K., & Himle, D. P. (1994).** Dysfunctional beliefs about intimacy. *Journal of Cognitive Psychotherapy, 8*, 127-139.
- Koopmans, P. C., Sanderman, R., Timmerman, I., & Emmelkamp, P. M. G. (1994).** The Irrational Beliefs Inventory (IBI): development and psychometric evaluation. *European Journal of Psychological Assessment, 10*, 15-27.
- Leahy, R. L. (2003).** Eliciting thought and assumptions. In *Cognitive therapy techniques A practitioner's guide.* Available Internet: <http://www.GuilfordCom.com>. (14th July 2006).
- Levinger, G., & Huston, T. L. (1990).** The social psychology of marriage .In F. D. Fincham & T.N. Bradbury (Eds.).*The psychology of marriage* (pp. 19-58). New York: Guilford Press.
- Lohr, J. M., Bonge, D. (1982).** The factorial validity test : A psychometric investigation. *Cognitive Therapy and Research, 6*, 225-230.
- Markman, H. J., & Hahlweg, K. (1993).** The Prediction and prevention of marital distress: An international Perspective. *Clinical Psychology Review, 13*, 29-43.
- measure of dysfunctional relationship beliefs. *Journal of Consulting and Clinical Psychology, 50*, 715-720.
- Ellis, A. (1978).** Family therapy: A phenomenological and active directive approach. *Journal of Marriage an Family Counseling, 4*, 43-50.
- Ellis, A. (1991).** The Philosophical basis of rational emotive therapy (RET). *Psychotherapy in Private Practice, 8*, 97-106.
- Ellis, A. (1999).** *How to make yourself happy and remarkably less distortable.* Atascadero, CA: Impact.
- Ellis, A. (2000).** *How to control your anxiety before it controls you.* New York: Citadel Press.
- Ellis, A. (2001).** *Overcoming destructive beliefs, feelings, and behaviors.* Amherst, NY: Prometheus Books.
- Ellis, A. (2003).** The nature of disturbed marital nteraction. *Journal of Rational-Emotive & Cognitive Behavior Therapy, 21*, 147-153.
- Ellis, A., & Grieger, R. M. (1986).** *Handbook of Rational-Emotive therapy* (vol.2). New York: Springer.
- Epstein, N. (1986).** Cognitive Marital Therapy: Multi level assessment and intervention. *Journal of Rational-Emotive Therapy, 4*, 68-81.
- Epstein, N., Baucom, D. H. (2002).** *Enhanced cognitive-behavioral therapy for couples: A contextual approach.* Washington DC: American Psychological Association.
- Fowers, B. J., Lyons, E. M., & Montel, K. H. (1996).** Positive marital illusion enhancement or relationship enhancement. *Journal of Family Psychology. 10*, 192-208.
- Guttman, J. M., & Krokoff, L. J. (1989).** Marital interaction and satisfaction: A longitudinal view. *Journal of consulting and Clinical Psychology. 57*,

- Shorkey, C. T., & Whiteman, V. L. (1977).** Development of the Rational Behavior Inventory: Initial validity and reliability. *Educational and Psychological Measurement, 37*, 527-534.
- Sinclair, S. L. & Nelson, E. S. (1998).** The impact of parental divorce on college students' intimate relationships and relationship beliefs. *Journal of Divorce & Remarriage, 29*, 103-129.
- Stackert, R., & Bursik, K (2003).** Why am I unsatisfied? Adult attachment still, gendered irrational relationships beliefs, and young adult romantic relationship satisfaction. *Personality and Individual Differences, 34*, 1419-1429.
- Sullivan, B. F., & Schwebel, A. C. (1995).** Relationship beliefs and expectations of satisfaction in marital relationships: Implications for family practitioners. *The Family Journal, 3*, 298-305.
- Wicker, F. W., Richardson, F. C., & Lambert, F. B. (1985).** Differential correlates of irrational beliefs. *Journal of Personality Assessment, 49*, 161-167.
- Weissman, A. N. (1979).** The Dysfunctional Attitude Scale: A validation study. *Dissertation Abstract International, 40*, 1389-1390.
- Matsumora, C. (1991).** The development of the Japanese irrational belief test. *Japanese Journal of Psychology, 62*, 106-113.
- Metts, S. & Cupach, W. R. (1990).** The influence of relation beliefs and problem solving responses on satisfaction in romantic relationships. *Human Communication Research, 17*, 170-185.
- Moller, A. T. & Van der Merwe, J. D. (1997).** Irrational beliefs, interpersonal perception and marital adjustment. *Journal of Rational Emotive and Cognitive Behavioral Therapy, 15*, 260-290.
- Moller, A. T. & Van Zyl, P. D. (1991).** Relationships beliefs, interpersonal perception and marriage adjustment. *Journal of Clinical Psychology, 47*, 28-33.
- Nelson, R. E. (1977).** Irrational beliefs in depression. *Journal of Consulting and Clinical Psychology, 45*, 1190-1199.
- Reed, J. S., & Dubow, E. F. (1997).** Cognitive and behavioral predictors of communication in clinical referred and nonclinical referred. *Mother-Adolescent dyads, 59*, 91-102.
- Romans, J. C., & DeBord, J. (1995).** Development of the Relationship Beliefs Questionnaire. *Psychological Report, 76*, 1248-1250.